

نقش مدیریت شهری بر زیست‌پذیری شهر^۱ (مطالعه موردی: شهر شهرکرد)

پژمان محمدی ده‌چشمه

دانشجوی دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

یوسفعلی زیاری^۲

دانشیار رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

علی توکلان

استادیار رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۱۵

چکیده

میزان زیست‌پذیری شهری و ارتقاء آن به هدف اصلی بسیاری از سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات مدیران شهری تبدیل شده و به عنوان شاخصی برای ارزیابی و نظارت بر عملکرد تصمیم‌گیران و مدیران مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع کیفیت زندگی شهری یکی از مهمترین حوزه‌های مطالعات شهری در کشورهای مختلف به شمار می‌رود که دارای مؤلفه‌های چندگانه‌ی اجتماعی، محیطی و اقتصادی می‌باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش مدیریت شهری بر زیست‌پذیری شهری در شهرکرد می‌باشد. تحقیق حاضر از لحاظ هدف یک تحقیق کاربردی است روش مورد استفاده در این تحقیق یک روش توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری مورد پژوهش در این تحقیق شامل ساکنان شهر شهرکرد می‌باشد و محدوده آماری کل منطقه در بردارنده شهر شهرکرد می‌باشد. تعداد جامعه آماری برابر با (۱۶۰۰۰۰) در نظر گرفته شده‌اند. تعداد نمونه برابر ۳۸۳ نفر بر اساس فرمول کوکران و به شیوه تصادفی در دسترس تعیین شدند. داده‌های گردآوری شده بر اساس تحلیل مسیر معادلات ساختاری با نرم افزار Smart PLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج بیانگر آن است که مدیریت شهری بر زیست‌پذیری شهری، بعد اجتماعی، بعد اقتصادی و بعد زیست محیطی پایدار تاثیر دارد. بر این اساس مدیریت شهری بر شاخص اقتصادی بیشترین تاثیر و بر شاخص زیست محیطی کمترین تاثیر را دارد. از طرفی با توجه به مقدار بسیار کم ضرایب مسیر به خصوص در زیست محیطی، نشان از آن دارد که مدیریت شهری در این زمینه اقدام کافی و مناسبی را انجام نداده است.

واژگان کلیدی: مدیریت، شهر، زیست‌پذیری، شهرکرد

۱- این مقاله بر گرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان تحلیلی بر زیست‌پذیری شهرکرد با تاکید بر نقش مدیریت شهری، مطالعه موردی: شهر شهرکرد، به راهنمایی نویسنده مسئول و مشاور نویسنده سوم در دانشکده علوم انسانی و اجتماعی گروه جغرافیا - برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران می‌باشد.

۲- نویسنده مسئول (y.ziari@yahoo.com)

مقدمه

سکونتگاه زیست‌پذیر را به عنوان مکان مناسب برای کار و زندگی تعریف نموده‌اند. زیست‌پذیری به معنای توان و قابلیت یک مکان برای تامین نیازهای زیستی ساکنان اعم از مادی و غیر مادی در جهت ارتقای کیفیت زندگی و ایجاد بستر شکوفایی توانمندی‌های عموم شهروندان می‌باشد (خراسانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷). اصول کلیدی که به این مفهوم استحکام می‌بخشد شامل برابری، عدالت، امنیت، مشارکت، تفریح و قدرت بخشیدن می‌باشد (Cities PLUS, 2010). اگر کارکرد هر یک از این اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی با اختلال مواجه گردد، سکونتگاه‌های انسانی می‌توانند به سرعت دچار اضمحلال شده و در نتیجه کاهش جمعیت، فقر، تضاد اجتماعی و بالا رفتن میزان مسائل بهداشتی، زیست محیطی از عواقب آن خواهد بود (خراسانی، ۱۳۹۰: ۳۵). به طور کلی زیست‌پذیری شهر در این فرایند به عنوان کیفیت زندگی تجربه شده توسط ساکنان یک شهر و یک منطقه تعریف می‌شود. در چنین زمینه‌ای پایداری عبارت است از توانایی تقویت کیفیت زندگی که ما برای آن ارزش قائلیم (Timmer&Seymora, 2012: 22).

در این میان شهر شهرکرد نیز به دلیلی موقعیت قرارگیری در مرکز استان چهارمحال و بختیاری و نزدیکی به مرکز کشور، در سالهای اخیر به عنوان یک شهر مهاجرپذیر عمل نموده است به طور کلی طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، ۲۶،۰۴ درصد به جمعیت آن افزوده شده است و نیازمند به برنامه‌ریزی متناسب برای ایجاد شرایط زیستی در شهر می‌باشد. درک رویکرد زیست‌پذیری می‌تواند نحوه پخشایش امکانات و خدمات، با بررسی تطبیقی شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در مناطق مختلف نسبت به همدیگر روشن سازد. در این راستا ارزیابی شاخص‌های زیست‌پذیری می‌توانند وضعیت محدوده‌های مختلف جغرافیایی شهر شهرکرد را به صورت تطبیقی نشان داده، آنها را از نظر وضعیت امکانات، خدمات و نیز تنگناهای شهری رده‌بندی کرده و اولویت بخشند. بدین ترتیب به کمک این شاخصها می‌توان قابلیتها و تنگناهای زیست‌پذیری شهر شهرکرد را از منظر میزان بهره‌مندی از خدمات، زیربناها و... بررسی کرده، تا از این طریق ابزار لازم را برای تصمیمگیری‌های مدیریتی و تعیین اهداف توسعه شهری فراهم نمود. این امر در دنیای کنونی با توجه به اهمیت ویژه به قابلیت زیست بودن یک مکان، محیط زیست پویا و... به عنوان فاکتورهای مهم و اثرگذار در فرایندهای سکونت‌گزینی و ارتقای رتبه‌بندی جهانی و ملی در زمینه کیفیت زندگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد که در بازه زمانی کنونی بسیار مهم و قابل‌تامل می‌باشد. این امر در شهر شهرکرد به عنوان یکی از شهرهای میانی و اسط بین منطقه مرکزی و غربی کشور، قرارگیری در منطقه معتدل کوهستانی و در موقعیت روبه رشد شهری و جمعیتی نوین و تازه رشد یافته برای دریافت کیفیت زندگی سالم، شهر پویا و زیست‌پذیر نیازمند برنامه‌ریزی و درک جایگاه صحیح زیست‌پذیری بوده که نقش برنامه‌ریزی و مدیریت امور حائز اهمیت بوده که باید مدیریت شهری این نقش مهم را به خوبی ایفا نماید.

لذا پژوهش حاضر در پی برخورد با مسائل و چالش‌های مذکور و در صدد پاسخگویی به پرسش‌های بنیادین مطرح شده در زمینه پیوند عوامل و متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی مرتبط با نقش مدیریت شهری در زیست‌پذیری شهری در شهر شهرکرد شکل گرفته است. بر همین مبنا در راستای بیان مساله سوال اصلی این است که نقش مدیریت شهری در شکل‌گیری وضعیت زیست‌پذیری شهر شهرکرد به چه صورت بوده است؟

مبانی نظری

ضرورت توجه به کیفیت زندگی شهری در برنامه‌ریزی مدیریت شهری تاکنون عوامل متعدد و متنوعی به عنوان عوامل تأثیرگذار بر زیست‌پذیری شهری عنوان شده است، اما در ابتدا باید مفهوم کیفیت محیط شهر که یکی از مؤلفه‌های زیست‌پذیری است شناخته شود. زیست‌پذیری شهری را می‌توان این گونه تعریف کرد: "زیست‌پذیری شهری عبارت است از شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی-فضایی محیط شهری که نشان دهنده میزان رضایت یا عدم رضایت شهروندان از محیط شهری می‌باشد" (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۲۷۴). لنسینگ و مارانز در سال ۱۹۶۹ بیان کردند یک محیط با کیفیت بالا، حس رفاه و رضایت مندی را به جمعیتی که در آن ساکن هستند به واسطه ویژگی‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی یا نمادین باشند، منتقل می‌کند (لانسینگ و مارانس^۱، ۱۹۶۹: ۱۹۵-۱۹۹). کیفیت محیط یک مفهوم چندبعدی است که با مفاهیمی هم چون زیست‌پذیری، کیفیت مکان، ادراک و رضایت شهروندان و قابلیت زندگی اشتراکاتی دارد؛ به طوری که در بسیاری موارد به عنوان معانی مشابه در نظر گرفته می‌شود (کامپ و همکاران^۲، ۲۰۰۳: ۶).

نگرانی درباره کیفیت زندگی از ویژگی‌های جامعه معاصر است. دلیل اصلی برای این علاقه فزاینده در موضوعات مربوط به کیفیت زندگی این است که در جوامع مدرن نگرانی در باره کیفیت زندگی به طور نسبی با پیشرفت تکنولوژیکی و افزایش درآمد افزایش یافته است. در جوامع پیشرفته مردم به این واقعیت پی برده‌اند که کیفیت زندگی ضرورتاً مترادف با رفاه مادی نیست (Pacione, 2003/1: 19).

جامعه بشری پس از تجارب خود از رویکرد برنامه‌ریزی عقلانی به نوعی بازنگری و بازاندیشی در اقدامات خود روی آورده که موجبات تجدید نظر در باورها و شیوه‌های پیشین شده و پدید آمدن گرایش‌های تازه‌ای در عرصه برنامه‌ریزی شهری فراهم آورده است (بندرآباد، ۱۳۹۰: ۵). یکی از گرایش‌های نو که تأثیر شگرفی در فرایند تحول دیدگاهها و روشهای برنامه‌ریزی شهری در نیمه دوم قرن بیستم داشته است، "نظریه‌های اجتماعی و کیفی توسعه" است که در قالب مفاهیمی همچون کیفیت زندگی، رفاه اجتماعی و... نمود یافته است (کوکبی و دیگران، ۱۳۸۴: ۸). در سال‌های اخیر این مفاهیم مورد توجه مجامع علمی و تحقیقاتی جهان قرار گرفته به گونه‌ای که کنگره‌ها و همایش‌های بین‌المللی مختلفی با عنوان "توسعه پایدار شهری در قالب کنفرانس ریو" و... برگزار شده است و مقبولیت جهانی یافته است. نتیجه و حاصل برگزاری چنین همایش‌هایی در سطح جهانی، رواج مفاهیم و کاربرد شاخص‌های اجتماعی و کیفی در فرآیند برنامه‌ریزی بوده است و به طوری که برنامه‌ریزی شهری را به جستجوی شاخص‌ها و معیارهای جدید برای ارتقای کیفیت زندگی شهری سوق داده است. هدف از مطرح کردن مفهوم کیفیت زندگی شهری، اصلاح و تکامل مفهوم توسعه از توسعه کمی به توسعه پایدار شهری بوده است (کوکبی، ۱۳۸۴: ۸). سیاست‌ها و راهبردهای توسعه پایدار در سطح محلی عموماً به وسیله عوامل (ملاحظات) کیفیت زندگی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر امروزه کیفیت زندگی به عنوان یکی از عناصر اصلی توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفته است (Fahy, 2008: 366).

¹ Lansing and Marans

² kamp et al

به طور کلی می‌توان گفت که با توجه به تحولات و دگرگونی‌های فوق نظریه‌های اجتماعی و کیفی (کیفیت زندگی، رفاه اجتماعی، عدالت اجتماعی و...) در دو سه دهه اخیر اهمیت بیشتری در برنامه‌ریزی شهری پیدا کرده‌اند که بیشتر به اهداف نهایی برنامه‌ریزی و نقش مردم مربوط می‌شود (کوکبی و دیگران، ۱۳۸۴: ۸). در واقع رشد شهرنشینی و تمایل به محیط‌های شهری، اهمیت مفهوم کیفیت زندگی شهری را افزایش داده است، همچنین جایگزینی رویکردهای کیفی به جای توجه به استانداردهای کلی باعث طرح موضوعاتی نظیر کیفیت زندگی شهری و زیست‌پذیری شهری شده است (بهمنی، ۱۳۸۹: ۷۴). زیست‌پذیری شهری یا شهر زیست‌پذیر اصطلاح نسبتاً جدیدی است که در سه دهه اخیر در محافل تخصصی شهرسازی مطرح شده و طرفداران خاص خود را دارد. هدف اصلی این رویکرد شهرسازی ارتقای کیفیت زندگی ساکنان شهر در تمام جنبه‌های زندگی می‌باشد که با موضوعات متعددی سر و کار دارد. از این رو وجوه اشتراک متعددی با مباحث کیفیت زندگی توسعه پایدار، شهر سبز و دیگر نظریات جدید شهرسازی می‌تواند داشته باشد (محمدی، ۱۳۹۳: ۴).

در این راستا وظایف کنونی مدیریت شهری (صرف نظر از تنوع و اختلاف در نظام‌های اجتماعی و سیاسی گوناگون)، تنها محدود به مواردی از قبیل برنامه‌ریزی، خدمات رسانی، مدیریت فرهنگ محلی، انجام پروژه‌های عمرانی و... نمی‌شود. بلکه جهت‌دهی فعالیت‌های شهری و ترسیم چشم‌انداز شهر در راستای دستیابی به زیست‌پذیری متناسب شهری و توسعه پایدار می‌باشد. توجه مدیریت شهری به مسائل و ملاحظات زیست محیطی در برنامه‌ریزی فعالیت‌ها و اقدامات توسعه به منظور شناسایی، حذف یا کاهش معضلات زیست محیطی باعث بهبود وضعیت محیط زیست و در نتیجه ارتقاء سطح کیفیت زندگی شهروندان و زیست‌پذیری بهتر شهر می‌شود. میزان زیست‌پذیری شهری و ارتقاء آن به هدف اصلی بسیاری از سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات مدیران شهری تبدیل شده و به عنوان شاخصی برای ارزیابی و نظارت بر عملکرد تصمیم‌گیران و مدیران مورد استفاده قرار می‌گیرد (پری‌خواه و همکاران، ۱۳۹۳: ۷). در واقع کیفیت زندگی شهری یکی از مهمترین حوزه‌های مطالعات شهری در کشورهای مختلف به شمار می‌رود که دارای مؤلفه‌های چندگانه‌ی اجتماعی، محیطی و اقتصادی می‌باشد. توجه به این شاخص در شهرها بدلیل نقش آن به عنوان ابزاری کارآمد در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری و بطور کلی تعیین میزان قابل زیست بودن شهرها فزونی یافته است. بر این اساس در بسیاری از کشورهای توسعه یافته برنامه‌ریزان در تلاش برای نمایش سطوح زیست‌پذیری شهری در سطوح مختلف جغرافیایی هستند تا از این طریق بتوانند راهکارهای بهینه‌ای را برای بهبود زیست‌پذیری در نواحی عقب مانده از نظر شاخص‌های مورد بررسی بیابند. وجود مشکلاتی مانند ضعف منابع درآمدی، کمبود وسایل حمل و نقل عمومی، سنگینی ترافیک و تراکم خودروها و اتلاف وقت شهرنشینان در تردهای شهری، کمبود فرصت‌ها و موقعیت‌های شغلی مناسب، کمبود مراکز درمانی، گرانی و کمبود مسکن مناسب، مشکلات و آسیب‌های ناشی از نابرابری اجتماعی، تغذیه نامناسب، آلودگی آب، آلودگی هوا، آلودگی محیط، کمبود فضای سبز، کمبود امکانات فرهنگی، ورزشی و فراغتی، جرائم، ناامنی و آسیب‌های اجتماعی و... زندگی شهری را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است و بر لزوم توجه به زیست‌پذیری شهری بیش از پیش افزوده است (خادمی و جوکار سرهنگی، ۱۳۹۱: ۱۰۷). مطالعات نشان می‌دهد که از یک سو ضرورت و اهمیت

پرداختن به زیست‌پذیری شهری در ارتباط با وظایف جدید برنامه‌ریزی در پاسخ دهی به نیازهای جامعه و مدیریت شهری قابل بررسی می‌باشد (Wheeler, 2006: 254).

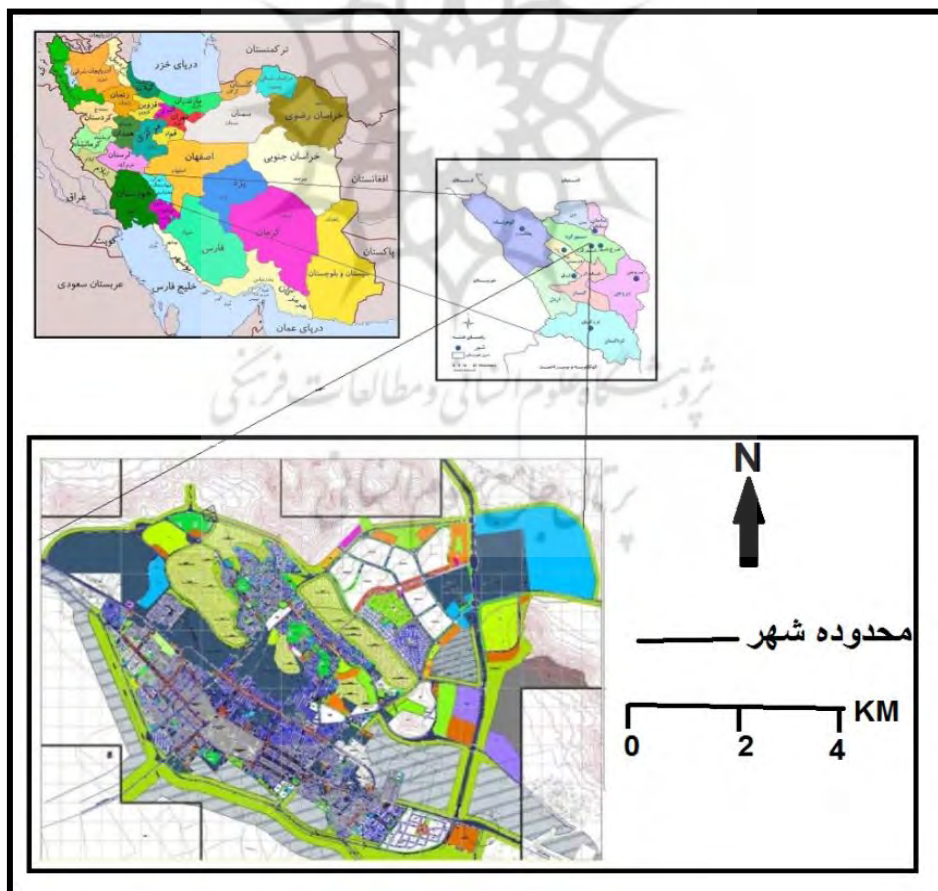
در زمینه موضوع پژوهش و اهمیت و جایگاه زیست‌پذیری شهری و بررسی‌های مختلف، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: ساسان پور و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «سنجش و ارزیابی زیست‌پذیری شهری در مناطق بیست و دو گانه کلانشهر تهران» بر اساس روشی توصیفی-تحلیل و هدف کاربردی به این نتیجه دست یافته‌اند که در میان مناطق ۲۲ گانه، مناطق یک و سه شهر تهران به ترتیب با میانگین رتبه‌ای ۳۵۳.۷۵ و ۳۰۱.۶۵ برای بعد زیست محیطی ۲۸۷.۷۵ و ۲۹۲.۸۸ برای بعد اجتماعی و ۳۳۸.۲۵ و ۲۹۴.۷۶ برای بعد اقتصادی از بیشترین زیست‌پذیری نسبت به دیگر مناطق برخوردار است. در مقابل منطقه بیست با میانگین رتبه‌ای ۲۹.۹۰ برای بعد زیست محیطی، ۳۴.۹۰ برای بعد اجتماعی و ۳۵ برای بعد اقتصادی دارای کمترین میزان زیست‌پذیری در بین مناطق ۲۲ گانه می‌باشد. به عبارتی می‌توانچنین تحلیل کرد که در بین مناطق بیست و دو گانه کلانشهر تهران استانداردهای زندگی که نشان از قابلیت زندگی بهتر و با کیفیت‌تری می‌باشد در مناطق یک و سه کلانشهر تهران وضعیت مطلوب‌تری دارند. در مقابل منطقه بیست که استانداردهای زندگی در آن حداقل می‌باشد؛ قابلیت زندگی غیر قابل قبولی را برای ساکنانش به همراه دارد. یوسفی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تحلیل شاخص‌ها و ابعاد کیفیت زندگی شهری با رویکرد زیست‌پذیری» بر اساس روشی تحلیلی-توصیفی به این نتیجه دست یافته‌اند که شاخص‌های کیفیت زندگی به طور وسیعی با زیست‌پذیری و اصول مربوط به آن در ارتباط می‌باشند و شاخص‌های زیست‌پذیری در جهت ارتقاء کیفیت زندگی شهری حرکت می‌کند. ایراندوست و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «شاخص زیست‌پذیری در محیط‌های شهری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر مقدس قم) بر اساس روشی تحلیلی-توصیفی به این نتیجه دست یافته‌اند که سیاست‌هایی برای تمرکززدایی فعالیت‌ها، تغییر در سیاست‌های توسعه مبتنی بر خودرو محور، تلاش برای تثبیت ساکنان قدیمی منطقه (نوسازی، افزایش کیفیت خدمات محله) و از این قبیل موارد، اتخاذ شود تا کیفیت زندگی در این بخش از شهر بهبود یابد. شیری و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی کیفیت زیست‌پذیری محله چرچره در همدان با استفاده از مدل استراتژیک SFAS» بر اساس روشی توصیفی-تحلیلی به این نتیجه دست یافته‌اند که در محله چرچره موقعیت جغرافیایی و نزدیکی به مرکز شهر با امتیاز وزنی ۰.۶ و وجود اراضی قابل توسعه مجدد برای ایجاد فضاهای سبز با امتیاز وزنی ۰.۲۴، مهمترین نقطه قوت و فرصت در محله می‌باشند. از طرفی در بین نقاط ضعف نبود پارک محله‌ای و مشارکت پایین ساکنین رده اول و دوم را به ترتیب با امتیاز وزنی ۰.۴۲ و ۰.۲۴ و روند رو به کاهش آرامش و امنیت ساکنین بدلیل حرکت‌های عبوری در محله چرچره با امتیاز وزنی ۰.۱۶، به خود اختصاص دادند. مویدی (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری پایدار در جهت زیست‌پذیری شهرها باهدف حفظ و ارتقاء محیط زیست شهری» بر اساس روشی توصیفی-کتابخانه‌ای به این نتیجه دست یافته است که فضاهای پیاده مدارضمن افزایش سطح حضور شهروندان در محیط و تشویق به برقراری تعاملات اجتماعی از نظر زیست محیطی نیز با کاهش میزان استفاده از انرژی‌های تجدیدناپذیر باعث کاهش آلاینده‌ها و سطح آلودگی‌های محیطی به ویژه آلودگی هوا صدا و حفظ فضای سبز و گیاهان می‌شود این موضوع زمانی محقق خواهد

شد که با برنامه‌ریزی و طراحی پایدار به تقویت و احیا فضاهای شهری به ویژه فضاهای پیاده مدار برای افزایش سطح حضورپذیری شهروندان و کاهش استفاده از وسایل نقلیه موتوری پرداخته شود در واقع توجه به نیازهای کاربران در کنار طراحی مناسب محیط‌های شهری با محوریت نگهداری و توسعه فضاهای سبز شهری زمینه تغییر ذائقه شهروندان را به پیاده‌ری در شهر برای تفریح و انجام امورات خود را فراهم خواهد آورد. ساسان پور و چعفری اسدآبادی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به بررسی اصول و ویژگی‌های شهر زیست‌پذیر پرداختند که نتایج مبرهن آن است که مهمترین اصول و ویژگی‌های یک شهر زیست‌پذیر عبارتند از: زیرساخت‌ها (حمل و نقل، ارتباطات، آب و بهداشت) غذا، هوای پاک، مسکن مناسب، شغل راضی‌کننده و فضای سبز و پارک‌ها، دسترسی به خدمات و امکانات با کیفیت مانند امکانات هنری، مدارس و اماکن ورزشی - بهداشتی، قابلیت حرکت پیاده، تنوع، امنیت، پایداری، فضاهای خصوصی، اصالت، احساس افتخار به مالکیت، هویت منحصر به فرد، ثبات اقتصادی، فرصت‌های زندگی سالم، طراحی شهری، زیباسازی باغچه‌ها و پارک‌های محلی، پاکیزگی، هنرهای عمومی، کیفیت هوا، احساس پیوستگی با محله و همسایگان، انعطاف‌پذیری، ارزش‌های مشترک، مشارکت مدنی، پیوستگی با تاریخ و میراث فرهنگی، فعالیت‌های داوطلبانه، مشارکت سیاسی. لاندری (۲۰۰۰) در پژوهشی به بررسی سرزندگی و زیست‌پذیری شهری پرداخته و بر اساس آن ۹ معیار مؤثر را برای شناسایی شهر سرزنده و زیست‌پذیر برمی‌شمارد: تراکم مفید افراد، تنوع، دسترسی، ایمنی و امنیت، هویت و تمایز، خلاقیت، ارتباط و تشریک مساعی، ظرفیت سازمانی و رقابت. او نسبت به افراد دیگر با دید جامع‌تری سرزندگی شهر را به شکل موضوعی بررسی کرده و به عوامل مؤثر بر آن‌ها اشاره نموده است. کوئن لینچ (۲۰۰۲) در کتاب تئوری شکل شهر عمدتاً زیست‌پذیری شهری را در مقیاس کلان مورد بررسی قرار می‌دهد و معتقد است زیست‌پذیری به همراه پنج عامل دیگر معنا، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت، محورهای عملکردی شکل خوب شهر را تشکیل می‌دهند. او زیست‌پذیری را به چند بخش تقسیم می‌کند که عبارتند از: بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد؛ ایمنی، نبود سموم زیست‌محیطی و خطرات؛ سازگاری، هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسان؛ سلامتی و تنوع ژنت کیی موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی. پامپر (۲۰۰۷) در کتاب خلق یک مرکز شهری پرجنب و جوش و زیست‌پذیر عوامل مؤثر بر مکان عمومی موفق و زیست‌پذیر را این چنین معرفی می‌نماید: ۱ موقعیت مکان: جایگاه فضای عمومی موفق باید به گونه‌ای باشد که پذیرای جمع کثیری از افراد باشد؛ به علاوه در نزدیکی مراکز خرده‌فروشی باشد به گونه‌ای که جاذب و تولیدکننده فعالیت پیاده گردد. ۲ اندازه مکان: اندازه فضای عمومی موفق باید به گونه‌ای باشد که گنجایش تفریح جمعی و رویدادها را داشته باشد، ولی نه آن قدر بزرگ که محصوریت فضا از بین برود. ۳ برنامه ریزی مکان: ایجاد فضای زنده و دوستدار مردم هنگامی امکان‌پذیر است که اطراف آن مکان توسط مغازه‌های خرده‌فروشی، رستوران‌ها و کافه‌ها احاطه شده باشد. در نظر او یکی از راه‌های کسب موفقیت در فضای شهری، ایجاد فعالیت‌های تجاری به خصوص خدمات خوراکی است. ۴ طرح مکان: طراحی مکان باید ظرفیت فضا را برای جذب و مطابقت فعالیت‌ها افزایش دهد. در این باره به مواردی نظیر نشیمن‌گاه مناسب، کاربری منعطف، راحتی، سازگاری و یکپارچگی بالا در عین سادگی اشاره می‌کند. دو چازل (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان نگرش سیستمی به زیست‌پذیری و پایداری، با نگرش سیستمی و بر مبنای خواسته‌ها و آرزوهای

انسانی به تحلیل تفاوت موجود بین دو مفهوم زیست‌پذیری و پایداری پرداخته است. همچنین او چارچوب زمانی را مهمترین بعد متصور برای تدوین معنای هر یک از این مفاهیم دانسته است و براین مبنا چنین می‌گوید زیست‌پذیری عبارتست از وضعیت خواسته‌ها در ارتباط با رضایت از زندگی در یک مکان خاص برای یک فرد و یا یک گروه از افراد در حال حاضر، اما پایداری ظرفیت تحقق خواسته‌ها برای یک فرد یا یک گروهی از افراد در طی زمان است.

روش‌شناسی

تحقیق حاضر از لحاظ هدف (نوع استفاده) یک تحقیق کاربردی است. روش مورد استفاده در این تحقیق یک روش توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری مورد پژوهش در این تحقیق شامل ساکنان شهر شهرکرد می‌باشد و محدوده آماری کل منطقه در بردارنده شهر شهرکرد می‌باشد. تعداد جامعه آماری برابر با (۱۶۰۰۰۰) در نظر گرفته شده‌اند. تعداد نمونه برابر ۳۸۳ نفر بر اساس فرمول کوکران و به شیوه تصادفی در دسترس تعیین شدند. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و پیمایشی می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه شامل ۸۵ سوال می‌باشد که در ۴ بخش (اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی) و مدیریت شهری هر کدام به ترتیب با تعداد ۳۱، ۲۴ و ۱۶ و ۱۴ سوال مورد سنجش قرار گرفت. روایی پرسشنامه صوری بوده که به تایید ۵ تن از اساتید دانشگاه رسیده است و پایایی آن نیز بر اساس آلفای کرونباخ به میزان ۰/۷۳ مورد تایید واقع شده است.



شکل ۱- قلمرو جغرافیایی تحقیق.

داده‌های گردآوری شده بر اساس تحلیل مسیر معادلات ساختاری با نرم افزار Smart PLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. قلمرو جغرافیایی تحقیق نیز به شرح زیر می‌باشد:

شهرگرد یکی از شهرهای مرکزی ایران و مرکز شهرستان شهرکرد و استان چهارمحال و بختیاری است شهرکرد در ۹۷ کیلومتری جنوب غرب اصفهان قرار دارد. نام پیشین آن «دهگرد» بوده است که پس از تبدیل به شهر (در شهریور ۱۳۱۴ خورشیدی)، به شهرکرد تغییر نام داده شده است. براساس آمار سال ۱۳۹۰ خورشیدی، جمعیت شهرکرد برابر با ۱۵۹۰۷۷۵ نفر است (سالنامه آماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۲: ۶). زبان مردم شهرکرد فارسی است که با لهجه شهرکردی تکلم می‌شود. شهرکرد مرتفع‌ترین مرکز استان در ایران است و به همین دلیل به بام ایران شهرت دارد، ولی در کل، شهرکرد جزو ۲۰ شهر مرتفع ایران است که با ارتفاع ۲۰۶۰ متر از سطح دریا، ۴۷۰ متر پایین‌تر از مرتفع‌ترین شهر ایران، فریدون‌شهر (۲۵۳۰ متر) قرار دارد. شهرکرد بین ۵۰ درجه و ۴۹ دقیقه و ۲۲ ثانیه تا ۵۰ درجه و ۵۳ دقیقه و ۴۴ ثانیه طول و ۳۲ درجه و ۱۸ دقیقه و ۲۲ ثانیه تا ۲۳ درجه و ۲۱ دقیقه و ۵۰ ثانیه عرض جغرافیایی و در ۹۷ کیلومتری جنوب غرب اصفهان قرار گرفته است. به لحاظ توپوگرافی در بخش شمالی رشته کوه زاگرس قرار گرفته است. این شهر با ارتفاع بین ۲۰۵۰ تا ۲۳۱۰ متر از سطح دریا، مرتفع‌ترین شهر ایران است و به همین خاطر به «بام ایران» معروف است (بنی طالبی دهکردی، ۱۳۹۰: ۴۵). شکل (۱) موقعیت شهرکرد را نشان می‌دهد.

نتایج

بررسی توصیفی متغیرهای پژوهش

در این قسمت با استفاده از میانگین و انحراف معیار هر یک از متغیرها به بررسی میزان پاسخگویی و جوابدهی به هر یک از متغیرها اقدام شده است.

جدول ۱- میانگین و انحراف از متغیرهای تحقیق

عوامل	میانگین	انحراف از معیار
زیست‌پذیری شهری	۳،۱۴	۰،۸۸۶
بعد اجتماعی	۳،۰۸	۰،۹۲۵
بعد اقتصادی	۳،۲۴	۰،۶۸۹
بعد زیست محیطی	۲،۹۸	۰،۹۷۵
مدیریت شهری	۳،۱۶	۰،۸۶۵

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس جدول فوق مشاهده می‌گردد که متغیر بعد اقتصادی دارای بیشترین میانگین و متغیر زیست محیطی دارای کمترین میانگین می‌باشد.

آمار استنباطی

بررسی فرض نرمال بودن داده‌ها

برای بررسی فرض نرمال بودن متغیرهای مطالعه از آزمون کولموگوراف- اسمیرنف یک نمونه‌ای (برای بررسی متغیرها به صورت تک تک) استفاده شده است؛ همچنین برای بررسی فرض نرمال دو متغیر از آزمون شاپیرو ویلک (برای بررسی رابطه متغیرها به صورت دو به دو) در بسته نرم افزار R استفاده شد. نتایج نشان دهنده آن است که فرض نرمال بودن برای تمام متغیرها را نمی‌توان رد کرد ($P > 0/05$). نتایج این آزمون در جدول ۲ و ۳ آورده شده است.

جدول ۲- نتایج آزمون کولموگروف- اسمیرنف برای بررسی پذیره نرمال بودن

متغیر	حجم نمونه	آماره آزمون	سطح معناداری	نرمال-غیر نرمال بودن	نتیجه
زیست‌پذیری شهری	۳۸۳	۰/۶۵۴	۰/۳۳۵	نرمال	تایید
بعد اجتماعی	۳۸۳	۰/۴۵۲	۰/۴۱۱	نرمال	تایید
بعد اقتصادی	۳۸۳	۰/۳۶۵	۰/۳۶۵	نرمال	تایید
بعد زیست محیطی	۳۸۳	۰/۴۷۵	۰/۲۴۵	نرمال	تایید
مدیریت شهری	۳۸۳	۰/۳۶۵	۰/۳۱۱	نرمال	تایید

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول ۳ مشاهده می‌گردد کلیه متغیرها دارای فرض نرمال می‌باشند.

جدول ۳- نتایج آزمون شاپرو ویلک برای بررسی پذیره نرمال دو متغیره

متغیر	حجم نمونه	آماره آزمون	سطح معناداری	نرمال-غیر نرمال بودن	نتیجه
مدیریت شهری - زیست‌پذیری شهری	۳۸۳	۰/۳۵۴	۰/۲۵۷	نرمال	تایید
مدیریت شهری - اجتماعی	۳۸۳	۰/۲۷۵	۰/۳۲۷	نرمال	تایید
مدیریت شهری - اقتصادی	۳۸۳	۰/۳۴۷	۰/۲۷۸	نرمال	تایید
مدیریت شهری - زیست محیطی	۳۸۳	۰/۲۳۴	۰/۳۲۴	نرمال	تایید

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس جدول ۳ مشاهده می‌گردد که رابطه بین متغیرهای مختلف اثبات شده است و همگی دارای وضعیت نرمال بوده و رابطه نرمالی ما بین تمامی متغیرها برقرار می‌باشد.

بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش، با استفاده از مدلیابی معادلات ساختاری PLS

تحلیل مدل سازی معادلات ساختاری

در این قسمت به بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش بر مبنای فرضیه‌ها پرداخته شده است. در واقع در این قسمت با استفاده از نرم افزار Smart PLS و بهره جستن از معادلات ساختاری به بررسی این ارتباط اقدام شده است. بررسی ارتباط بین متغیرها در قالب الگوی معادلات ساختاری نشان داده شده در شکل‌های (۲ و ۳) مورد آزمون قرار گرفت.

ارزیابی مدل ساختاری

روایی همگرا (میانگین واریانس استخراج شده) همگرا (میانگین واریانس استخراج شده) (AVE) از ۰/۵ است. به این معیار فورنل و لارکر^۱ برای این روایی بیشتر شدن میانگین واریانس‌های استخراج شده (AVE) از ۰/۵ است. به این معنی که یک متغیر مکنون می‌تواند به طور میانگین بیش از نیمی از پراکندگی معرف‌هایش را تبیین کند. همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود مقدار AVE برای متغیرهای مکنون بالاتر از ۰/۵ است. بنابراین می‌توان گفت که روایی همگرایی مدل‌های اندازه‌گیری مطلوب می‌باشد.

جدول ۴- مقادیر معیار میانگین واریانس استخراج شده مربوط به هر یک از متغیرها

میانگین واریانس استخراج شده	میانگین واریانس استخراج شده
۰.594256	زیست‌پذیری شهری
۰.672725	بعد اجتماعی
۰.563648	بعد اقتصادی
۰.632541	بعد زیست محیطی
۰.534961	مدیریت شهری

منبع: یافته‌های پژوهش

1. Larcker

2. Average Variance Extracted(AVE)

پایایی مرکب

در این تحقیق جهت تعیین پایایی^۱ پرسشنامه از دو معیار (ضریب آلفای کرونباخ^۲ و ضریب پایایی مرکب^۳) استفاده شده است. ضرایب آلفای کرونباخ تمامی متغیرها در این تحقیق، از حداقل مقدار (۰/۰۷) بیشتر است. پایایی مرکب بر خلاف آلفای کرونباخ که به‌طور ضمنی فرض می‌کند هر شاخص وزن یکسانی دارد، متکی بر بارهای عاملی^۴ حقیقی هر سازه است؛ و بنابراین معیار بهتری را برای پایایی ارائه می‌دهد. پایایی مرکب باید مقداری بیش از ۰/۰۷ را به‌دست آورد تا بیانگر ثبات درونی سازه باشد. در جدول ۵ نتایج پایایی ابزار سنجش به‌طور کامل آورده شده است.

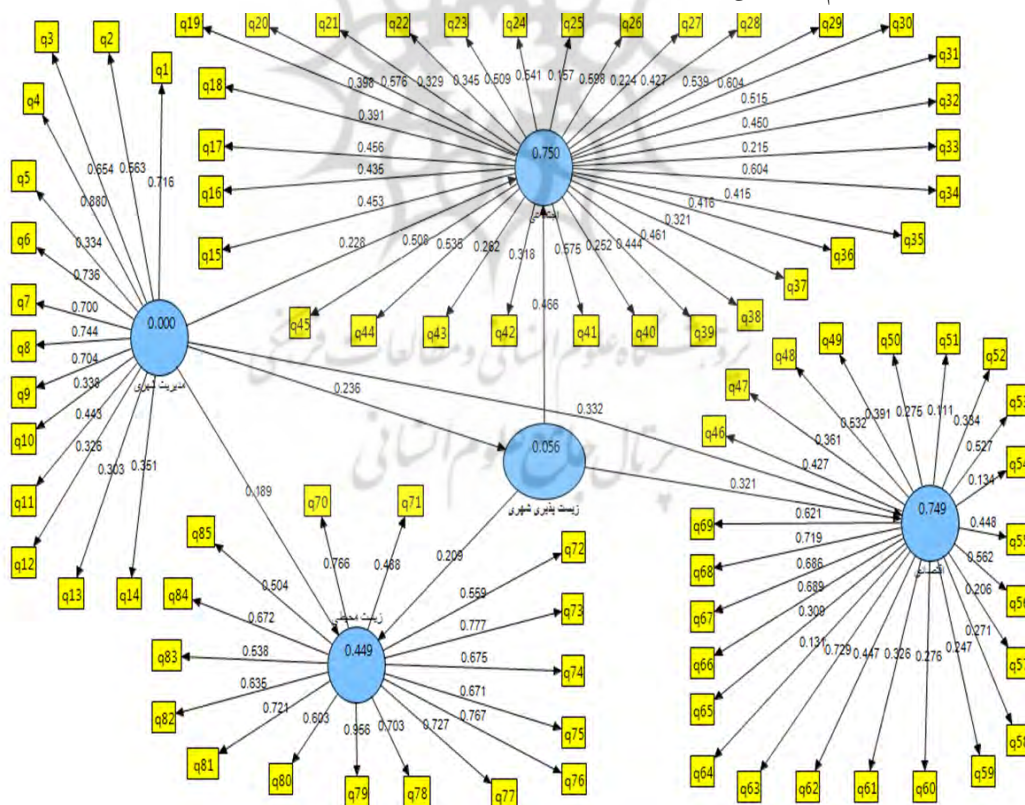
جدول ۵- مقادیر پایایی مرکب و آلفای کرونباخ مربوط به هر یک از متغیرها

متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی مرکب
زیست‌پذیری شهری	0.841486	0.865929
بعد اجتماعی	0.791669	0.747554
بعد اقتصادی	0.920988	0.930642
بعد زیست محیطی	0.774563	0.715698
مدیریت شهری	0.818434	0.852176

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری (SMART-PLS)

به منظور محاسبه ضرایب مسیر، واریانس تبیین شده متغیرهای وابسته توسط متغیرهای مستقل، بار عاملی متغیرهای مشاهده شده و اثر غیرمستقیم و اثر کل متغیرها بر یکدیگر از آزمون PLS Algorithm استفاده شد.



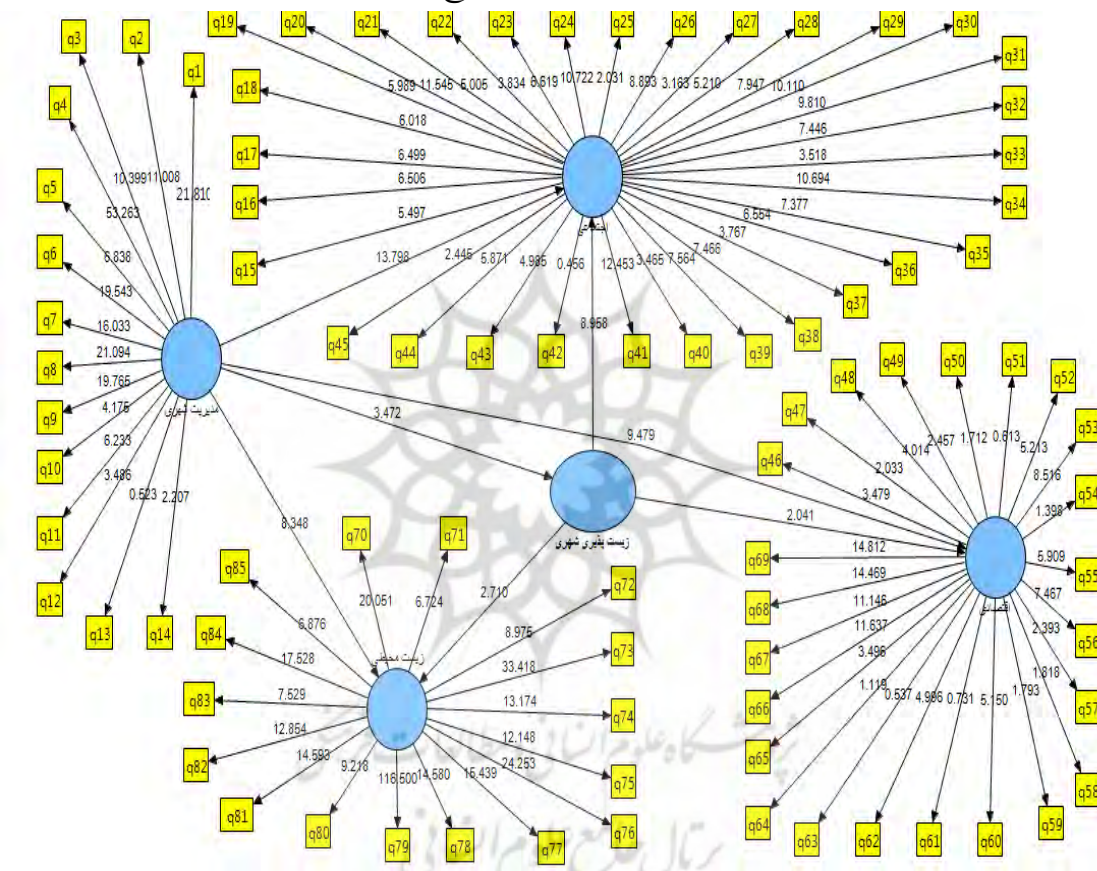
شکل ۲- ضرایب مسیر به همراه واریانس تبیین شده منبع: یافته‌های پژوهش

تذکره: ۱. پایایی

1. Reliability
2. Coefficient of Cronbach's alpha
3. Coefficient of Composite Reliability
4. Loadings factors

بر این اساس می توان گفت که مدیریت شهری بر زیست پذیری شهری با ضریب مسیر ۰,۲۳ و مقدار T ۳,۴۷، مدیریت شهری بر بعد اجتماعی با ضریب مسیر ۰,۲۲ و مقدار T ۱۳,۷۹، مدیریت شهری بر بعد اقتصادی با ضریب مسیر ۰,۳۳ و مقدار T ۴,۴۷، مدیریت شهری بر بعد زیست محیطی پایدار با ضریب مسیر ۰,۱۸ و مقدار T ۸,۳۴ تاثیر دارد.

برای بررسی معناداری ضرایب مسیر و بارهای عاملی از آزمون Bootstrapping استفاده شد. در این آزمون اعداد روی مسیر و نیز خطوط مربوط به بارهای عاملی مقادیر t مربوط به این آزمون هستند و همانند آزمون t تفسیر میشوند؛ یعنی اگر تعداد نمونه بیشتر از ۱۲۰ نفر باشد مقادیر بیشتر از $\pm 1,96$ در سطح ۰,۰۵ معنی دار هستند.



شکل ۳-نمرات t مسیر منبع: یافته های پژوهش

همانطور که مشاهده میشود تمامی نمرات بالاتر از ۱,۹۶ بوده و بنابراین معنی داری آماری ضرایب مسیر در مدل تحلیل مسیر تأیید می شود.

جدول ۶-نتایج مدل ساختاری فرضیات اصلی و فرعی تحقیق

نتیجه بررسی	β	α	Z	$\alpha/2$	T	مسیر فرضیه
تایید	۰,۲۳	۰/۰۵	۱/۹۶	۳,۴۷	زیست پذیری شهری	مدیریت شهری <---
تایید	۰,۲۲	۰/۰۵	۱/۹۶	۱۳,۷۹	اجتماعی	مدیریت شهری <---
تایید	۰,۳۳	۰/۰۵	۱/۹۶	۴,۴۷	اقتصادی	مدیریت شهری <---
تایید	۰,۱۸	۰/۰۵	۱/۹۶	۸,۳۴	زیست محیطی	مدیریت شهری <---

منبع: یافته های پژوهش

بر این اساس با توجه به اینکه مساله اساسی پژوهش این بود که مدیریت شهری بر زیست‌پذیری شهری در شهر کرد، تاثیرگذار می‌باشد یا خیر، باید بیان داشت که نتایج تحلیل مسیر جدول ۶ نشان می‌دهد که مدیریت شهری بر زیست‌پذیری شهری در شهر شهرکرد اثر داشته است.

نتیجه‌گیری و دستاوردهای پژوهشی

بر اساس آنچه مورد بررسی قرار گرفت می‌توان بیان داشت که مدیریت شهری بر زیست‌پذیری شهری با ضریب مسیر ۰,۲۳ و مقدار T ۳,۴۷، مدیریت شهری بر بعد اجتماعی با ضریب مسیر ۰,۲۲ و مقدار T ۱۳,۷۹، مدیریت شهری بر بعد اقتصادی با ضریب مسیر ۰,۳۳ و مقدار T ۴,۴۷، مدیریت شهری بر بعد زیست محیطی پایدار با ضریب مسیر ۰,۱۸ و مقدار T ۸,۳۴ تاثیر دارد. بر این اساس مدیریت شهری بر شاخص اقتصادی بیشترین تاثیر و بر شاخص زیست محیطی کمترین تاثیر را دارد. از طرفی با توجه به مقدار بسیار کم ضرایب مسیر به خصوص در زیست محیطی، نشان از آن دارد که مدیریت شهری در این زمینه اقدام کافی و مناسبی را انجام نداده است. بنابراین مدیریت شهر در گام نخست باید در زمینه شرایط زیست محیطی شهرکرد اقدام فوری و در گام های بعدی به شاخص‌های اجتماعی و در نهایت به اقتصادی همت گمارد. می‌توان اشاره داشت که در تمامی پژوهش‌ها به بررسی کلی در زمینه زیست‌پذیری شهری پرداخته شده و زمینه برای نقش مدیریت شهری در این فرایند فراهم نشده و بسیار کم‌رنگ می‌باشد. لذا از این منظر پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی بسیار متمایز و متفاوت می‌باشد و از نوآوری خاصی برخوردار است چراکه به بررسی نقش مدیریت شهری در زیست‌پذیری شهری (که در هیچکدام از مطالعات قبلی به آن پرداخته نشده است) می‌پردازد و جنبه‌های مختلف آن را مورد واکاوی و تحلیل قرار داده است. بر این اساس می‌توان بیان داشت که مدیریت شهری بر شاخص اقتصادی بیشترین تاثیر و بر شاخص زیست محیطی کمترین تاثیر را دارد. از طرفی با توجه به مقدار بسیار کم ضرایب مسیر به خصوص در زیست محیطی، نشان از آن دارد که مدیریت شهری در این زمینه اقدام کافی و مناسبی را انجام نداده است. در واقع می‌توان بیان داشت که در سالیان اخیر و با توجه به نرخ بالای مهاجرت‌پذیری این شهر و نیز عدم مدیریت و برنامه‌ریزی اصولی و مناسب، شهر شهرکرد با چالشها و مشکلات متعددی مواجه شده است که این شهر را از نظر زیست‌پذیری در وضعیت نسبتاً نامطلوبی قرار داده است، چنانکه مطالعات و بررسی‌های انجام گرفته حاکی از این واقعیت است که در شهر شهرکرد ساخت و سازها و پراکنش فضایی کاربریها بسیار نامتوازن و ناهمگون می‌باشد، وضعیت دفع پسماندهای صنعتی و بیمارستانی نامناسب و توسعه زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در حوزه مدیریت شهری در این شهر در وضعیت نامطلوبی قرار دارد که این عوامل بر اساس نبود مدیریت جامع و حل‌گرا به صورت مشکلات و مسائل حاد برای شهر رخنمون شده است. همچنین توزیع نابرابر امکانات، نتیجه اجتناب‌ناپذیر تمرکزهای شدید جمعیت، فعالیتها و خدمات در بعضی مناطق و وزن کم و ناموزون جمعیت، فعالیتها و خدمات در مناطق دیگر است که باعث تشدید جریانهای جمعیتی گردیده و مسئولان و مدیریت شهری را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته است. این پدیده باعث منفعل ماندن مناطق حاشیه‌ای و مناطق میانی در جریان حیات اقتصادی مناطق، متحرک شدن بیش از پیش جمعیت شهر و غیرقابل مهار شدن رشد جمعیت شهر شده است. طبیعی است که تمرکزهای فزاینده مذکور، در مرحله اجرا مشکلات زیادی را برای مدیران و تصمیم‌گیران به وجود آورده است. بر همین اساس به نظر میرسد

هیچ طرح و برنامه‌های بدون توجه به پخشایش صحیح امکانات و خدمات اجتماعی قادر به غلبه یا جلوگیری از تشدید نابرابری‌ها و عدم تعادلها در سطح شهر شهرکرد نخواهد بود.

با توجه به آنچه مورد بررسی قرار گرفت، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

با توجه به نقش کمرنگ مدیریت شهری در زیست‌پذیری شهری به خصوص در زمینه محیط زیست پیشنهاد می‌گردد که مدیریت شهری طرح‌های خود را در راستای کاهش آلودگی هوا، توجه به کمربند سبز، کاهش خودروهای دودزا، دوسازی شهرکهای صنعتی و آلوده کننده و... مبذول دارد.

مدیریت شهری در راستای برنامه‌ریزی معماری و هویتی شهر به زیباسازی فضای شهر، معماری بومی و مطابق با شرایط اقلیمی، توجه به میراث گذشتگان و آثار تاریخی و هویت بخشی به آنها توجهی ویژه داشته باشد.

با توجه به یافته‌های پژوهش مبنی بر عدم توازن در تاثیرپذیری کیفیت زیست‌پذیری شهری از نقش مدیریت شهری لازم است در اجرا و بررسی زیست‌پذیری به خصوص به شاخص زیست محیطی توجه بیشتری شود و این شاخص نیز تقویت شود که همکاری و مساعدت متخصصان برنامه‌ریزی لازم است و بهتر آن است که در جهت جلب مشارکت و همکاری بیشتر آن‌ها جلسات آموزشی برگزار شود که به ابعاد مختلف زیست‌پذیری نیز توجه شود.

با توجه به نقش کمتر بعد زیست محیطی در زیست‌پذیری شهری به منظور ارائه الگوهای سازمان‌دهی روابط و همکاری می‌توان از قالب‌بندی‌ها و الگوهای دیگر زیست‌پذیری و نظر متخصصین نیز بهره برد.

با توجه به نظرات مختلف در زمینه نقش مدیریت شهری در تقویت زیست‌پذیری شهری در ابعاد مختلف لازم است در زمینه زیست‌پذیری شهری بهره‌گیری از جدیدترین نظرات به منظور رسیدن به تازه‌ترین داده‌های آماری امری ضروری است.

به جز بررسی نقش مدیریت شهری بر زیست‌پذیری شهری به صورت پرسشنامه‌ای و نظر دیگر شهروندان و متخصصین و برنامه‌ریزان استفاده نمود.

منابع

- ایراندوست، کیومرث و همکاران (۱۳۹۴)، شاخص زیست‌پذیری در محیط‌های شهری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر مقدس قم)، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، سال چهارم، شماره سیزدهم، صص ۱۰۱-۱۱۸.
- بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۰)، شهر زیست‌پذیر از مبانی تا معانی، انتشارات آذرخش تهران.
- بهمنی، بهمن (۱۳۸۹)، بررسی کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی و رابطه آن با متغیرهای نگرش دینی، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- پری خواه زرمهر، ساره و همکاران (۱۳۹۳)، سنجش رضایتمندی از کیفیت زندگی مبتنی بر اصول زیست‌پذیری شهری نمونه موردی: منطقه ۸ شهرداری شیراز - محله موردستان، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی نیارش شهر پایا.
- بنی طالبی دهکردی، احمد (۱۳۹۰)، مقدمه‌ای بر شناخت شهرکرد، وجه تسمیه.
- خادمی، امیرحسین و عیسی جوکار سرهنگی (۱۳۹۱)، ارزیابی کیفیت زندگی شهری (مطالعه ی موردی: بافت فرسوده شهر آمل)، نشریه جغرافیا و مطالعات محیطی، مقاله ۷، دوره ۱، شماره ۴، زمستان.

- خراسانی، محمد امین و همکاران (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل مفهوم زیست‌پذیری و ارتباط آن با اصول پایداری، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی مهندسی محیط زیست.
- ساسان پور، فرزانه و همکاران (۱۳۹۴)، سنجش و ارزیابی زیست‌پذیری شهری در مناطق بیست و دو گانه کلانشهر تهران، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال پنجم، شماره ۸۱، تابستان، صص ۴۲-۲۷.
- ساسان پور، فرزانه و حمزه جعفری اسدآبادی (۱۳۹۲)، اصول و ویژگی‌های شهر زیست‌پذیر، مجموعه مقالات اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار.
- سالنامه آماری استان چهارمحال و بختیاری (۱۳۹۲)، دفتر آمار و اطلاعات. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و بودجه استانداری چهارمحال و بختیاری.
- شماعی، علی، پوراحمد، احمد (۱۳۸۴)، "بهبودی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا"، دانشگاه تهران.
- شیری، الهام و همکاران (۱۳۹۲)، ارزیابی کیفیت زیست‌پذیری محله چرچره در همدان با استفاده از مدل استراتژیک SFAS، مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی خدمات شهری و محیط زیست.
- کوکبی، افشین و پورجعفر، محمدرضا و تقوایی علی‌اکبر (۱۳۸۴)، "برنامه‌ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، تعاریف و شاخص‌ها"، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۲.
- لینچ، کوین (۱۳۸۱)، تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدی، نگین (۱۳۹۲)، محیط زیست و شاخص‌های آن، سازمان مدیریت و حفاظت محیط زیست ایران.
- مویدی، محمد (۱۳۹۲)، برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری پایدار در جهت زیست‌پذیری شهرها باهدف حفظ و ارتقاء محیط زیست شهری، مجموعه مقالات دومین همایش ملی حفاظت و برنامه‌ریزی محیط زیست.
- یوسفی، رشید و همکاران (۱۳۹۳)، تحلیل شاخص‌ها و ابعاد کیفیت زندگی شهری با رویکرد زیست‌پذیری، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی مهندسی محیط زیست.
- Clarke, A. (2011). Key structural features for collaborative strategy implementation: a study of sustainable development/local agenda 21 collaborations. *Management & Avenir*, (10), 153-171..
- Do Chazel S,. (2010): "THE WORLD URBAN FORUM 2006 Vancouver" working group discussion paper international center for sustainable cities.
- Fahy, F., & Cinnéide, M. Ó. (2008). Developing and testing an operational framework for assessing quality of life. *Environmental Impact Assessment Review*, 28(6), 366-379.
- Van Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G., & De Hollander, A. (2003). Urban environmental quality and human well-being: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study. *Landscape and urban planning*, 65(1-2), 5-18.
- Landry, C. (2000). Urban vitality: A new source of urban competitiveness. *Archis*, (12), 8-13.
- Lansing, J. B. and R. W. Marans, (1969), "Evaluation of Neighborhood", *J. of the American Institute of Planners*, 35.
- Pacione, M. (2003). Urban environmental quality and human wellbeing—a social geographical perspective. *Landscape and urban planning*, 65(1-2), 19-30.
- Monfared, S. M. H. H., Attarian, K., & Rahmani, M. Evaluation of sense of belonging and effective factors in the vitality of urban squares (Case Study, Enghelab Square Bushehr).
- Timmer, V., & Seymoar, N. K. (2005, March). Vancouver Working Group Discussion Paper. In *The World Urban Forum 2006*.
- Wheeler, S. M. (2013). *Planning for sustainability: creating livable, equitable and ecological communities*. Routledge.